



میزگرد

## ضرورت توسعه صنعت بیمه در کشور

### اشاره:

در نظام قانونمند آفرینش هیچ پدیده یا موجودی را نمی‌توان یافت که بدون هماهنگی با سایر موجودات و شبکه حیات پیرامون خویش پایدار بماند، آنچه باعث قوام و دوام این مجموعه، از کهکشانهای دور دست تا امور جزئی زندگی بشری می‌شود، نظم هماهنگی است که در آموزش‌های اسلامی از آن به سنت الله تعبیر شده است. اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سایر اجزاء زندگی بشری بدون وجود یک قانون پایدار قادر به ادامه حیات خود نیستند، لازمه توفیق اهداف و سیاستهای هر کشور و ملتی داشتن قوانینی است که منبعث از بنیادهای فکری فرهنگی و ایدئولوژیک آن ملت باشد تا بتواند نظم مطلوب را در جهت بقای آن جامعه برقرار سازد.

در جهان امروز اقتصاد یکی از مهمترین عرصه‌های حیات آدمی است. بدون وجود یک اقتصاد توانمند در دنیای پیچیده کنونی عزت و سربلندی هیچ ملتی تأمین نخواهد شد، تا آنجا که یک اقتصاد ناتوان و رنجور می‌تواند پایه‌های اخلاق، معنویت و ارزشهای انسانی را نیز در جامعه متزلزل سازد.

مجلس که مرجع قانونگذاری و هماهنگ کننده شئون نظری سیستمهای اجرایی یک کشور است می‌تواند سیاستگذاریهای اقتصادی را به سمتی هدایت کند که زمینه‌های اجرای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی را فراهم آورد. در این میان بیمه با انواع و شاخه‌های مختلف آن کارکردی چشمگیر در پوشش فعالیت‌های مختلف جامعه و یاری آسیب دیدگان دارد.

برای آگاهی هر چه بیشتر از نقش و جایگاه بیمه در دستگاه قانونگذاری کشور و رویکرد نمایندگان مجلس به این بخش از اقتصاد که ابزاری در جهت تأمین انسانها و برقراری امنیت است، پای صحبت حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و حجت الاسلام والمسلمین موحدی ساوجی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نشستیم. آنچه پیش رو دارید حاصل این گفتگوست.

### ایجاد خواهد نمود.

شاید بتوان ادعا کرد اساسی ترین مقدمه بالیدگی و پیشرفت، توسعه فرهنگی است. بنابراین بدون توسعه فرهنگ بیمه در جامعه، تحقق اهداف صنعت بیمه نیز میسر نخواهد شد.

به دنبال مشخص شدن ضرورت توسعه فرهنگ بیمه در جامعه، توسط کارشناسان مختلف مباحث گوناگونی مطرح شده است و هریک به فراخور اندیشه و تخصص خود به

فرهنگ به عنوان شالوده و کل پیچیده‌ای که اعتقادات، آداب و رسوم، سنتها و شئون دیگری از زندگی مردم را دربرمی‌گیرد، نقشی بسیار مهم در روابط اجتماعی دارد. کیفیت فرهنگ هر جامعه در فرآیند توسعه آن جامعه دارای اساسی‌ترین جایگاه است. به نحوی که سازگاری فرهنگ با عناصر و مقتضیات توسعه، روند تحقق اهداف آن را سرعت بخشیده و عدم سازگاری آن نیز موانعی جدی در فرآیند توسعه

### جامعه است.

آسیا: چنین به نظر می‌رسد که مردم جامعه ما به نحو مطلوبی از خدمات مؤسسات بیمه و مزایای این بخش از اقتصاد آگاه نیستند. با عنایت به اهمیت ویژه صنعت بیمه در فرآیند توسعه، تصور می‌شود برای پویایی و توسعه این صنعت و ایجاد همسوئی آن با دوران بازسازی اقتصادی لازم است که ساختار سنتی بازار بیمه و شیوه‌های عملکرد آن دچار تحول اساسی شود. یکی از مبرم‌ترین نیازها در این رابطه توجه به فرهنگ



ارائه راه‌های کاربردی این مساله پرداخته‌اند. حال از جنابعالی تقاضا می‌کنیم نظر خود را در این خصوص مطرح بفرمائید.

**دری نجف آبادی :** بیمه با این مکانیسم‌ها و تعاریف موجودی که الان در کشور مطرح است، ساخته و پرداخته مانیست و از کشورهای صنعتی و غربی به کشورهای جهان سوم و کشورهای دیگر سرایت کرده‌است. اگرچه از یک بعد می‌توانیم بگوئیم : مفاهیمی عام نظیر بیمه تأمین اجتماعی به معنای گسترده و مفاهیم حمایتی ( به صورت سازمان یافته و غیر سازمان یافته) را داشته و یا داریم. اما سازمانی مانند بیمه و یا سیستم بانکی با این مکانیسم‌ها و وضعیت موجود، چیزی است که از غرب و کشورهای صنعتی به کشورهای دیگر و کشورهای اسلامی وارد شده است.

باتوجه به وضعیت جوامع ما شاید لازم باشد که به سه نکته اشاره نمائیم :

۱) مهم این است، چیزی را که از دیگران گرفته‌ایم، بومی کنیم. یعنی آن را با فرهنگ خود پیوند بدهیم. خود صنعت هم تا بومی آن کشورها و آن ملت‌ها نشود، نمی‌تواند موفق باشد. سیستم بانکی هم تا در این کشورها بومی نشود و رنگ و بوی این کشورها را نگیرد، موفقیت کمی خواهد داشت. پس هم صنعت، هم بانک، هم بیمه، باید در هاضمه این کشورها آمده و جزء هاضمه آنها قرار گرفته، جزء بافت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنیکی این گونه کشورها قرار گیرد. به نحوی که خود این کشورها بتوانند، از دو حیث راجع به این مسائل نظر بدهند: اول اینکه

از نظر تئوری پردازی در مورد مسایل مربوط به حقوق بیمه، اقسام بیمه، گسترش و توسعه بیمه، صاحب نظر باشند و بتوانند در مورد تئوری‌ها یا مقرراتی که در دنیا هست، مثل کنوانسیونهای جهانی، حرفی داشته باشند. اگر بناست با کارشناسان دنیا هم کنوانسیون یا دیالوگ بگذارند و یا کارهای دیگری انجام دهند، خود آنها صاحب تر و میانی مشخصی باشند.

دوم اینکه از حیث کاربردی، مفاهیم و

**مهم این است، چیزی را که از دیگران گرفته‌ایم، بومی کنیم.** یعنی آن را به فرهنگ خود پیوند بدهیم. خود صنعت هم تا بومی آن کشورها و آن ملت‌ها نشود، نمی‌تواند موفق باشند. سیستم بانکی هم تا در این کشورها بومی نشود و رنگ و بوی این کشورها را نگیرد، موفقیت کمی خواهد داشت.

میانی تئوریک مذکور بتواند در این کشورها، کارآیی مناسب را داشته باشد. وقتی تئوری از طرف صاحب نظران کشورهای مورد نظر باشد؛ باتوجه به بافت و ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن کشورها در مقام کاربرد و عمل هم کارآیی لازم را خواهند داشت. ولی وقتی اصل تئوری‌ها، تئوری‌هایی نباشد که از متن حوزه‌ها، دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی این جوامع، نشأت گرفته باشد

موفقیت کمی را به دنبال خواهد داشت. متأسفانه این کشورها نوعاً در مورد این مسائل، مهمان کشورهای صنعتی و غربی هستند، نظریه‌ها، نظریه‌های آنها و مقررات، مقررات آنهاست؛ مثلاً در مورد کشتیرانی، بیشترین مقررات در دنیا مربوط به انگلیسیها است. خوب، آنها در دریا حضور فعال داشته‌اند، پس نیاز به این داشته‌اند که در زمینه‌های مختلف بیمه کشتی‌ها، بیمه‌های بانک و... مقررات داشته باشند.

اگر در کشورهای جهان سوم تئوری پرداز و صاحب نظر وجود داشته باشد در مقام کاربردی هم براساس الگوهای نظری، روشها تعیین خواهد شد. چون تئوری‌ها را خودشان داده‌اند. ممکن است حدود ۷ یا ۸ درصد هم با دنیا هماهنگی بوجود بیاید و فقط ۲ درصد تفاوت پیدا بکند ولی نهایتاً این نظریه‌ها ساخته و پرداخته خود این جوامع خواهد بود.

**موحدی ساوجی :** قبل از پاسخ دادن به سؤال شما، ابتدا مقدمه‌ای را در رابطه با اهمیت بیمه، تأمین اجتماعی و بیمه‌همگانی از دیدگاه قانون اساسی عرض می‌کنم و سپس به تشریح عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ بیمه در کشور می‌پردازم :

در سه اصل از قانون اساسی مسأله بیمه مورد توجه قرار گرفته است، دراصل سوم، وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران در بندهای مختلف مشخص شده است. در بند دوازدهم این اصل مسأله تعمیم بیمه آمده که تعبیرش این است : وظیفه دولت است که بیمه را تعمیم بدهد.



برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»  
یعنی دقیقاً مشخص کرده است که این مسأله چگونه باید تحقق پیدا کند. و این توضیح همان تعمیم بیمه است که در اصل سوم قانون اساسی برعهده دولت گذاشته شده است. اصل ۴۴ قانون اساسی بخشهای اقتصادی کشور را هم بیان می‌کند، بخش خصوصی و بخش دولتی و بخش تعاونی. در آنجا مسأله بیمه را جزو بخش دولتی به حساب آورده‌اند. تفسیر با شورای محترم نگهبان است، ممکن است دولت هم در یک زمینه‌هایی این مسأله را به بخش غیر دولتی واگذار کند ولی با نظارت خودش. بنابراین از دیدگاه قانون اساسی دولت باید تلاش کند که بیمه را در همه ابعاد، در بین همه افراد جامعه برود همه تحت پوشش و حمایت قانونی بیمه قرار بگیرند.  
اما در مورد سؤال شما عقیده من بر این است که چند عامل عمده در این مسأله

وقتی تئوری از طرف صاحب‌نظران کشورهای مورد نظر باشد؛ با توجه به بافت و ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن کشورها در مقام کاربرد و عمل هم کارآیی لازم را خواهد داشت. ولی وقتی اصل تئوری‌ها، تئوری‌هایی نباشد که از متن حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی این جوامع، نشأت گرفته باشد موفقیت کمی را به دنبال خواهد داشت.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرسنگی  
رتال جامع علوم انسانی

یعنی بیمه، آنچنان شمول و گستردگی پیدا کند که هم بتواند آحاد جامعه را تحت پوشش قرار دهد و هم از لحاظ انواع بیمه‌ها - بیمه‌حوادث، بیمه مربوط به اشخاص و اموال، بخش تجارتي، بخش کشاورزی و صنعتی - بتواند انواع رشته‌های بیمه‌ای را در کشور ایجاد کرده و تعمیم بدهد.

اصل دیگری که در قانون اساسی آمده، اصل بیست و نهم است. اصل ۲۹ در دو بخش مسأله بیمه را مطرح کرده است. از دیدگاه بخش اول بیمه شدن حق مردم است، مردم همه این حق را دارند که از جهات مختلفی چون بازنشستگی، پیری، از کارافتادگی، بیکاری و مسائل درمانی، بهداشتی، سوانح و حوادث غیرمترقبه و غیره تحت پوشش قرار بگیرند.

در این اصل چنین آمده است : «برخورداری از تأمین اجتماعی، از نظر بازنشستگی، پیری از کارافتادگی، بیکاری، بی سرپرستی، درماندگی، حوادث، در راه‌ماندگی و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی.»

از سوی دیگر نیز تکلیفی را بر دوش دولت گذاشته و دولت را مکلف کرده‌است. یعنی به همین اکتفا نکرده که مردم این حق را دارند، بالاخره این مسؤولیت به عهده کیست ؟ و این حق را چه کسی باید به مردم بدهد؟ جواب این سؤال در بخش دوم اصل ۲۹ آمده است که : « دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را



مؤثر است : عامل اول اینکه مردم را آگاه کنیم و از طریق وسایل ارتباط جمعی، کتابها، حتی کتابهای آموزشی سطوح مختلف به این مسأله بپردازیم. به صورتی که آحاد جامعه ما به اهداف بیمه، اهمیت و نقش بیمه و همچنین آثار و نتایج آن پی ببرند. بیمه را بشناسند که این آگاهی و شناخت موجب جذب آنها به سمت این صنعت خواهد شد.

عامل دوم این است که اگر به تصویب قوانین جدید و متناسب، قوانینی که به این بخش تحرك بیشتر بدهد نیاز است، دولت لویحی را تهیه کرده و به مجلس ارائه نماید. مجلس نیز قطعاً حاضر است در این راستا همکاری کند و قوانین لازم را تصویب نماید.

عامل دیگری که به نظرم می‌رسد این است که کلیه شرکتهایی که الان متصدی و مسئول امر بیمه هستند، در چارچوب قوانین ومقررات عمل کنند. چون بیمه یک قرارداد میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار است، اگر قرار باشد که این مسأله در کشور گسترش پیدا کند، بیمه‌گذار باید راضی باشد. یعنی بیمه‌گذار احساس کند این قراردادی که منعقد کرده و حق بیمه‌ای که پرداخت کرده ؛ در چارچوب همان مقررات ازمزایای آن بهره‌مند خواهد شد. مسأله کاغذبازی و پیچ و خم اداری باید حذف شود و خلاصه باید جاذبه‌های هرچه بیشتر را برای استقبال مردم از بیمه فراهم کرد. اگر سه عامل ذکر شده را در کشور تقویت کنیم، مسلماً بیمه در کشور می‌تواند به میزان بیشتری گسترش پیدا کند.

اگر تمام بخشهای مختلف کشور یعنی

کشاورزان، پیشه وران، بازرگانان و متصدیان حمل و نقل و خدمات بیمه شوند و متوجه شوند که بیمه چه نتایج و ثمرات خوبی برای آنها در بردارد، اعتماد و اطمینان آنها نسبت به آینده دوچندان خواهد شد و مسلماً استقبال خواهند کرد. من معتقدم که اگر دولت در ارتباط با ایجاد بخشها، سازمانها و شرکتهای بیمه‌کننده‌ای که غیردولتی باشند، ولو به صورت محدود و با قوانین محکم، یک رقابتی بین بخش دولتی و غیر دولتی بوجود آورد، می‌تواند عامل مهم ومؤثری در جهت گسترش بیمه باشد.

من معتقدم که اگر دولت در ارتباط با ایجاد بخشها، سازمانها و شرکتهای بیمه‌کننده‌ای که غیردولتی باشند، ولو به صورت محدود و با قوانین محکم، یک رقابتی بین بخش دولتی و غیر دولتی بوجود آورد، می‌تواند عامل مهم ومؤثری در جهت گسترش بیمه باشد.

آسیا : موضوعی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا در جهان سوم فرهنگ بیمه گسترش نیافته است ؟ به طور کلی چگونه می‌توان فرهنگ بیمه را در جامعه جا انداخت ؟ از چه ابزارهایی باید استفاده کرد و آیا الگوی غرب برای این کار کافی و مطلوب است یاخیر؟

دری نجف آبادی : در جوامع غربی و صنعتی برای نهادی شدن مسائل مربوط

به فرهنگ بیمه مشکلی وجود ندارد. اصلاً زندگی آنها با بیمه اداره می‌شود. بیمه تاروپود نظام اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و علمی آنها را تشکیل داده و فعالیتهای مختلف آنها را پوشش می‌دهد. اما در کشور خودمان ببینید چند درصد از مردم از پوشش‌های بیمه‌ای استفاده می‌کنند ؟

در مقام مقایسه می‌بینیم که در کشورهای صنعتی که ساخت و بافت جامعه آنها با بیمه است و کار بیمه‌ای به صورت اتوماتیک انجام می‌گیرد ؛ اول ولادت هر بچه، تولید هر ماشین یا موتور سیکلت، ساخت هر کارخانه، مغازه، کشتی و هواپیما و... بیمه در ذاتش نهفته است. ولی در کشور ما خواهی نخواهی یک مقدار مشکل است و آن رغبت لازم وجود ندارد.

تئوری‌ها باید اول در دانشگاهها و حوزه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی طرح شده و مورد بحث وبررسی قرارگیرد و صاحب نظران برجسته‌ای در این مسائل داشته باشیم که بتوانند پایه‌های تئوریک موضوعات مورد بحث را ایجاد کنند. و این مسائل جزء فرهنگ جامعه ما شود. منتهی این زمانی میسر است که مسائل بیمه‌ای از طرف مراکز علمی به جامعه سرایت کند و اگر از مراکز علمی ما تراوش نکند، ما برای همیشه سرسرفره دیگران خواهیم بود.

۲) ما فرهنگ خاص اسلامی و ملی خودمان را داریم و باید ببینیم با توجه به فرهنگ اسلامی و ملی‌مان در مبانی دینی واعتقادی ما چه مسائلی مطرح است تا از آنها هم استفاده کنیم. اگر یک چیز مجزا را به عنوان صنعت بیمه و قراردادهای بیمه

در جامعه توسعه پیدا کند. و این مرحله بعد از آن دو مرحله تئوریک، زیربنایی و اصولی است که اشاره شد.

آموزش بیمه باید در دانشگاههایی نظیر دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تهران، شهیدبهشتی و... تدریس شود. شما اگر بخواهید کشور ما را با کشورهای دیگر مقایسه کنید، می بینید که آموزش و تربیت نیروی انسانی ما چه وضعیتی دارد. اگر نسبت جمعیت ما را با نسبت جمعیت مثلاً فرانسه یا آلمان یا ایتالیا یا انگلیس مقایسه کنید و تعداد دانشجویایی که در آن کشورها در این رشته‌ها (بیمه‌ای - بانکی و...) فارغ‌التحصیل می‌شوند را با تعداد دانشجویانی که در کشور ما در این رشته‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند مقایسه کنید؛ متوجه می‌شوید که در کجا مشکل داریم. کشوری مثل فرانسه که ۵۷ الی ۵۸ میلیون نفر جمعیت دارد را با کشور خودمان مقایسه کنید. درحالی که وسعت خاکش حدود ۳۱ درصد خاک ماست. ببینید در فرانسه چقدر دانشجو در رشته‌هایی که به نحوی به بیمه مربوط می‌شود، فارغ‌التحصیل شده‌اند، چه تعداد واحدهای درسی ارائه شده، چه مقدار جزوه و کتاب و مقالات علمی در سال منتشر شده است. حتی چند سمینار و میزگرد علمی در زمینه بیمه برگزار می‌شود.

تأسیس دانشکده اکو، کار خوبی است ولی در حد شروع کار است. دانشگاههای ما جمعاً یک میلیون و دویست، سیصد هزار دانشجو را آموزش می‌دهند. حال ببینیم فراوانی این تعداد دانشجو در



تئوری‌ها باید اول در دانشگاهها و حوزه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی طرح شده و مورد بحث و بررسی قرار گیرد و صاحب‌نظران برجسته‌ای در این مسائل داشته باشیم که بتوانند پایه‌های تئوریک موضوعات مورد بحث را ایجاد کنند. و این مسائل جزء فرهنگ جامعه ما شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

در جامعه مطرح کنیم، درحالی که توجه به مبانی دینی و مذهبی و اعتقادی نداشته باشیم و انتظار داشته باشیم که تمام مردم هم خود را ملزم به پیروی از آنها بدانند، در اشتباهیم، چرا که درصد موفقیت ما کاهش خواهد یافت. ممکن است در کشورهای دیگر یک مبانی اعتقادی، با این کیفیت نبوده یا مبانی دینی و اعتقادی، در مسائل اجتماعی آنها خیلی نقش نداشته باشد، اما در جامعه ما این امر قطعاً ویژگی خاص خودش را دارد که می‌بایست ملاحظات مقتضی در مورد آنها اعمال شود.

در کشور ما باید روی مبانی دینی، اعتقادی، مذهبی و فطری کاملاً بحث شود و راه افزایش روح اطاعت، علاقه، همکاری و تعاون را باز کند. این نکته دیگری است که مکمل نکته اول است.

۳) نکته سوم این که، از نظر آموزشهای عمومی، تخصصی و آموزشهای مربوط به کارگزاران بیمه، تلاش شود که فرهنگ بیمه



بخشهای مختلف براساس نیازها، چقدر می‌بایست باشد. (بامراجعه به آمار این نسبت مشخص می‌شود). پس از بررسی ملاحظه می‌کنید که در رشته‌هایی نظیر بیمه و بانکداری و... خلاء وجود دارد و تعداد دانشجوی کمتر از میزان مورد نیاز است.

مسأله تلخ تر این است که دانشجویان نوعاً به سراغ رشته‌های پزشکی یا مهندسی وغیره می‌روند و اصلاً گرایش به این گونه رشته‌ها و رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی نشان نمی‌دهند و چنانچه در آن رشته‌ها قبول نشوند به این گونه رشته‌ها روی می‌آورند.

در مورد استاد هم این مشکلات وجود دارد، اگر کشور ما بیست هزار استاد داشته‌باشد؛ تعداد استاد متخصص در امور بیمه‌ای، مسائل مالی، بانکی، ارزی و بازرگانی، حقوقی، دریاها، حقوق حمل و نقل، حقوق بین الملل دریایی، خیلی کم است. و این برمی‌گردد به این مسأله که؛ آموزش عالی و آزاد ما چقدر بر روی آموزش نیروی انسانی متخصص برای بیمه، آموزش مدیران مناسب برای صنعت بیمه و سایر رشته‌های تخصصی کار می‌کنند؟ دوره‌هایی که برای آموزش اینها تدارک می‌بینند چقدر است؟ پس از بررسی این مسائل باید برای این امر هم برنامه‌ریزی مناسب انجام شود.

البته کیفیت تحصیل هم مهم است. باید موضوع بیمه در دانشگاهها و مراکز علمی ما شناخته شده باشد تا بعد بتواند به جامعه سرایت کند.

خلاصه آنچه تاکنون گفته شد این است که به هر کیفیت ما احتیاج به تئوری پرداز

و صاحب نظر در این مسائل داریم؛ یعنی باید تولید فکری و نظریه پردازی داشته باشیم.

در حوزه‌های ماهم، همین مشکلات وجود دارند. اگر به حوزه بروید و از فقها و مجتهدین سؤال کنید، می‌بینید که روی مسائل بیمه‌ای کمتر کار شده است. بایستی در حوزه‌ها یک کتاب به نام «بیمه» تدریس شود و اکتفا نشود به اینکه مثلاً بگوییم: «این هم یک قرارداد است و مانند سایر قراردادها محترم است» بایستی کتاب بانکداری به طور مفصل و مشروح تهیه شده و در حوزه‌ها تدریس شود. من به عنوان یک طلبه که بیش از ۲۵ سال سابقهٔ حوزوی دارم می‌گویم، آن چیزی که در حوزه‌ها جایش خالی است؛ وجود کتابهای این‌چنینی است. اگر در کشور بحث از نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ ریال، حفظ قدرت خرید پول و ربا می‌شود اینها باید در حوزه‌ها تدریس شود. بانکداری اسلامی بایستی در درجه اول در حوزه‌ها تدریس شود. البته مبانی کلی در حوزه وجود دارد. یکی از کارهای شما می‌تواند این باشد که، کلیه مسائل مربوط به بیمه را مطرح کنید تا در حوزه‌ها بحث شود (بحث اجتهادی و فقهی) و این خیلی خوب است.

**آسیا:** به نظر شما وظیفه مراکز علمی و تحقیقاتی مخصوصاً دانشگاه و حوزه در خصوص صنعت بیمه چیست؟

**موحدی ساوجی:** درحوزه مسأله بیمه و تأمین اجتماعی از قدیم نبوده و شاید تاریخ آن از صدسال تجاوز نکند،

**ممکن است در کشورهای دیگر یک مبانی اعتقادی، با این کیفیت نبوده یا مبانی دینی و اعتقادی، در مسائل اجتماعی آنها خیلی نقش نداشته باشد، اما در جامعه ما این امر قطعاً ویژگی خاص خودش را دارد که می‌بایست ملاحظات مقتضی در مورد آنها اعمال شود.**



این که در میحثهای فقهی و فتاوی مراجع و فقهای مسلمان در این زمینه اظهار نظری نشده به آن معنا نیست که مثلاً درباره بیمه، اسلام حکمی نداشته، مسلماً آن قواعد فقهی و اصولی و مبانی که ما در فقه اسلام داریم، می‌تواند پاسخگوی همه مسائل از جمله مسائل بیمه باشد.

در مورد این مسأله که چرا حوزه‌ها به سراغ جامعه نرفته‌اند و بیمه از حوزه به جامعه سرایت نکرده باید بگویم تا قبل از انقلاب حوزه‌ها در رابطه با حکومت دخالتی نداشتند. حکومت در دست یک عده خاص بود. شاه و دولتش بیشتر سراغ قوانین و مقررات کشورهای دیگر می‌رفتند و از آنها تقلید می‌کردند و شبیه آنها را در کشور پیاده می‌کردند. چون حوزه‌ها خودشان در این زمینه دخیل نبودند نباید می‌آمدند. اما اگر سؤالاتی می‌شد و استفتاء از مراجع صورت می‌گرفت، مراجع ما هم جواب می‌دادند که از لحاظ فقهی مثلاً آن جنبه‌ها صحیح و درست و یا نامشروع است.

تربیت متخصص در امر بیمه وظیفه حوزه نیست. یعنی متخصصی که می‌خواهد مردم را بیمه کند، نیاز نیست که مجتهد باشد. این کار دانشگاهها و مراکز علمی است.

البته ممکن است یک روحانی هم در آن بخش بیمه که مورد نیاز باشد بتواند آن کار را انجام بدهد. من از اینکه می‌بینم در کشور رشد و توسعه بیمه به صورتی کند است، راضی نیستم و این به یک بسیج همگانی نیاز دارد، که همه نیروها و همه دستگاههای مملکتی دست به دست هم بدهیم و عوامل رشد و توسعه را در کشور تقویت کنیم.

**آسیا :** برای بیمه تأثیرات متفاوتی می‌شمارند که در سطوح خرد و کلان قابل مشاهده‌اند، در بخش اقتصادی، صنعت بیمه از یک طرف سرمایه‌های سرگردان (نقدینگی در جریان) جامعه را به نحوی جمع‌آوری کرده و آنها را برای تولید در جهت مورد نیاز جامعه در قالب برنامه‌های توسعه سازماندهی می‌کند و از طرف دیگر با پوشش فعالیتهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی را برای

### در کشور ما باید روی مبانی دینی،

اعتقادی، مذهبی و فطری کاملاً بحث شود و راه افزایش روح اطاعت، علاقه، همکاری و تعاون را باز کند. این نکته دیگری است که مکمل نکته اول است.

آنها فراهم می‌کند. یکی از تأثیرات بیمه که بسیار هم حائز اهمیت است: رابطه آن با عدالت اجتماعی است، در مورد بیمه و ارتباط آن با عدالت اجتماعی توضیحاتی بیان نمائید.

**دری نجف‌آبادی :** این سؤال یک مفهوم خیلی وسیعی را در رابطه با بیمه مطرح می‌کند. در زمینه نقش بیمه در گسترش عدالت اجتماعی شاید با چند جمله نتوان توضیح کاملی ارائه کرد. این مسأله دارای دو یا سه بعد است.

اول اینکه بیمه یک نوع پس‌انداز برای افراد است و این با ارزش است. یک

درصدی از سرمایه (ازمصرف) را باید کنار گذاشت و به سازمانهای بیمه‌گر داد. که برای دورانهای حساس (مثل دوران بیماریهای صعب‌العلاج، دوران پیری، دوران از کارافتادگی، دورانی که آدم دچار خسارتهای سنگین می‌شود، دورانی که یک آتش‌سوزی، یک تصادف، یک سانحه سخت، یک حادثه دلخراش، یک حادثه طبیعی و غیرطبیعی و یا فوت سرپرست خانواده اتفاق می‌افتد) به یاری خسارت دیده بشتابند.

کلیه اقشار جامعه در معرض انواع خطر هستند و اگر بیمه نباشد اینها یا از هستی ساقط می‌شوند یا مثل «دست شکسته» وبال گردن جامعه می‌شوند. وقتی مسأله بیمه مطرح باشد، اگر خود شخص دچار حادثه شد، اموالش حادثه دید، و یا خودش در یک سانحه از بین رفت، بلافاصله زن یا فرزندان وی بی‌سرپرست و بلا تکلیف نمی‌مانند؛ چون سازمان بیمه‌گر یک تضمینی را در برابر بیمه‌شده دارد و اینها از یک پشتیبانی مناسبی برخوردار هستند.

پس بیمه یک نوع امنیت اجتماعی، فکری، روانی، اقتصادی و درمانی برای افراد ایجاد می‌کند.

ممکن است بعضی مواقع افراد در موقع بروز حادثه و خطر احساس یأس و شکست بکنند و خیلی زود خودشان را ببازند و کمتر ریسک کنند، اما اگر یک سازمان بیمه‌گر قدرتمند وجود داشته باشد که از او پشتیبانی کند؛ برای افراد جامعه آرامش بهتری را ایجاد می‌کند. (البته این نظرات بنده است که به سهم خودم تا اندازه‌ای مطالعه کردم و این مسأله



یک کار گسترده با استفاده از متخصصین مختلف جامعه‌شناسی، بیمه، روانشناسی و علوم اقتصادی و... رامی‌طلبد)

اما در مورد نکته دوم: اگر فرض کنیم یک خطر افراد را تهدید کرد، در بیمه‌ای که تضامن و تکافل اجتماعی است، دولت هم سهم دارد. اگر بنا باشد این طیف از اقشار جامعه که به نحوی ثمره عمر و هستی‌شان دارد از بین می‌رود یا خودشان در یک حادثه از بین می‌روند، خود یا خانواده آنها سربار جامعه باشند و هیچ آینده‌ای نداشته باشند، برای تأمین اینها چه کسی باید اقدام بکند؟

عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که ما به نحوی اینها را تحت پوشش قرار دهیم. یک کارگر تا زمانی که توان لازم را داشته، فعالیت کرده و حالا که از کار افتاده (به هر علتی) و دیگر نمی‌تواند کار بکند، اگر بتوانیم نیازهای مختلف او را تأمین بکنیم و این مسئله در جامعه تعمیم یابد، گام مهمی در جهت تحقق عدالت اجتماعی برداشته‌ایم. چنانچه عده‌ای در اثر حادثه‌ای از گردونه فعالیت خارج شده و از کار افتاده شوند و احدی هم سراغ آنها را نگیرد؛ این عدالت اجتماعی نیست. و با کرامت انسانی سازگاری ندارد. بیمه موجب می‌شود که خیلی از افرادی که در جامعه ضربه خورده‌اند، از هستی ساقط نشوند و بلافاصله سازمانهای بیمه‌گر به کمک آنها بشتابند، تا بتوانند همدوش جامعه به حرکت خود ادامه دهند. و به طور کلی بیمه مانند مالیات، به توزیع مجدد ثروت در جامعه کمک می‌کند.

■ آسیا: نظر شما درباره رابطه فعالیت‌های

بیمه با عدالت اجتماعی و یا به طور اخص نقش بیمه در فقرزدایی چیست؟

**موحدی ساوجی:** معنایی که از

عدالت اجتماعی در ذهن ما هست، این است که همه مردم از حداقل امکاناتی نظیر: کار و درآمد، تشکیل خانواده و بهره‌مندی از مسکن و سایر مواهب طبیعی بهره‌مند باشند. آن طور نباشد که یک عده‌ای در سطح خیلی بالا ثروتمند و متعمر باشند و عده‌ای فقیر و محروم. برای برقراری عدالت اجتماعی باید محدودیتهایی برای سرمایه‌ها و ثروت‌های بی حساب و گسترده به وجود آورد. باید مالیات‌های متناسبی وضع شود، هرچه درآمد بیشتر باشد مالیات هم بیشتر شود. به هر حال برای تأمین عدالت اجتماعی، از یک سو حصول واقعی حقوق مالی و مالیات‌ها از صاحبان درآمد و از سوی دیگر تحت پوشش قراردادن و

در حوزه مسأله بیمه و تأمین اجتماعی از قدیم نبوده و شاید تاریخ آن از صدسال تجاوز نکند، این که در مبحث‌های فقهی و فتاوی مراجع و فقهای مسلمان در این زمینه اظهار نظری نشده به آن معنا نیست که مثلاً درباره بیمه، اسلام حکمی نداشته، مسلماً آن قواعد فقهی و اصولی و مبانی که ما در فقه اسلام داریم، می‌تواند پاسخگوی همه مسائل از جمله مسائل بیمه باشد.





دادن سرمایه به کسانی که توانایی کار و تلاش و فعالیت را دارند، نیز مطرح است و بسیاری مسایل دیگر که بیمه یکی از این موارد عمده است که می‌تواند افراد و اقشار جامعه را به آینده امیدوار کند.

**آسیا: یکی از بحث‌های حساس در مقطع کنونی از توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، موضوع خصوصی سازی یا مشارکت مردمی در امر توسعه است. بسیاری از کارشناسان معتقدند که بخش خصوصی با مشارکت در هر فعالیتی موجب ارتقاء کمی و کیفی آن فعالیت می‌شود. این موضوع در صنعت بیمه نیز صدق می‌کند، ولی موانعی در اجرای این امر وجود دارد. به نظر شما تاجه میزان می‌توان مردم را در فعالیتهای بیمه‌ای دخیل کرد و این روند چه تأثیری بر صنعت بیمه خواهد داشت؟**

**موحدی ساوجی:** شرکتهای بیمه باید موانع رشد فعالیت و تلاش و توسعه خود را بیان کنند. اگر این موانع، هم از طرف دولت و هم از طرف نمایندگان در مجلس مورد قبول باشد و بپذیرند که این موانع، موانعی است که می‌توان آنها را از سر راه برداشت و فعالیت و رشد صنعت را بیشتر می‌کند، خوب مسلماً همکاری می‌شود.

من معتقد هستم شرکتهای بیمه در ایران دولتی هستند و شرکتهای سازمانهای دولتی در کشور ما طوری است که بخش دولتی در آن فعالیت و تحرک کافی را ندارد. بخش غیردولتی مجموعه‌ای است که مدیران آن لحظه به لحظه اوضاع را تحت نظارت و کنترل دارند تا ببینند سیستم چه طور کار می‌کند، هزینه‌هایش

تأمین کردن اقشار محروم جامعه مطرح است. بنابراین بیمه به نظرم ارتباط خوبی با مسأله عدالت اجتماعی دارد. چون یکی از بهترین راههای تأمین قشرهای کم درآمد، یا بی‌درآمد و ناتوان، همانا بیمه کردن آنهاست. ما می‌گوییم هرکس که فقیر است به او کمک کنیم، که شکل ساده آن رفع نیاز مستقیم است و به نظر من ممکن است این کار موجب فقیرپروری و گداپروری شود. اما یک وقت می‌گوییم که افراد می‌توانند تحت پوشش بیمه قرار بگیرند - همان طور که در قانون اساسی آمده - اشخاص می‌توانند بیمه شوند، خود خانواده، اتومبیل، خانه و وسایل زندگی خود را بیمه کنند. بنابراین وقتی که یک فرد نسبت به آینده خودش نگرانی چندانی نداشته باشد، روز به روز از تعداد افراد نیازمند و محتاج کاسته خواهد شد.

البته ممکن است گفته شود که افراد فقیر چگونه می‌توانند بیمه شوند، شخص فقیر که نمی‌تواند، حق بیمه خودش را پرداخت کند. بحث این است که بیمه تنها عامل از بین بردن فقر نیست، بلکه بیمه به این مسأله کمک می‌کند. مانمی‌گوئیم که برای ریشه‌کن کردن فقر، فقط ما بیمه را به جامعه بیاوریم و در همه زمینها حاکم کنیم، اگر بیمه را هم بیاوریم همه جا گسترش بدهیم، بازهم آن جوانی که تازه فارغ‌التحصیل شده و بیکار است و هیچ درآمدی ندارد حق بیمه‌ای نمی‌تواند بدهد. این فرد باید اول شغلی پیدا کند تا بتواند حق بیمه را پرداخت کند. بنابراین برای ریشه‌کن کردن فقر مسأله ایجاد اشتغال هم عامل عمده‌ای است. مسأله

**من از اینکه می‌بینم در کشور رشد و توسعه بیمه به صورتی کند است، راضی نیستم و این به یک بسیج همگانی نیاز دارد، که همه نیروها و همه دستگاههای مملکتی دست به دست هم بدهیم و عوامل رشد و توسعه را در کشور تقویت کنیم.**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



چقدر است، درآمدهایش چقدر است، راههای توسعه آن چیست؟ در مورد بیمه هم به نظر من اگر بخش غیر دولتی فعال تر شود، مسلماً بر روی بخش دولتی تأثیر گذاشته و آن را نیز به فعالیت بیشتری وامی دارد. قبل از اینکه دانشگاه آزاد اسلامی در کشور ما به وجود بیاید، دانشگاههای ما، دانشجو می پذیرفتند، اما خیلی فعال نبودند، بعد از اینکه دانشگاه آزاد بوجود آمد، هم دانشگاه آزاد فعال شد و توانست خدماتی را در رابطه با آموزش عالی ارایه بدهد، و هم آموزش عالی و مؤسسات آموزش عالی فعالتر شدند و تحرک بیشتری در این زمینه پیدا کردند. در ارتباط با بیمه من نمی دانم که آیا موانع و مشکلات قانونی بر سر راه شرکتهای بیمه وجود دارد یا نه؟ اگر موانع قانونی باشد مجلس آماده است تا با اصلاح قوانین این موانع را محدود کرده و دست شرکتهای بیمه را در جهت توسعه صنعت بیمه در کشور باز بگذارد. از طرف دیگر به نظر من، دولت باید اجازه بدهد که یک رقابتی بین بخش دولتی و غیردولتی به وجود بیاید و قوانین محکمی وضع شود به طوری که اولاً از کسانی که در این قسمت سرمایه گذاری می کنند حمایت بشود، و اگر امنیت قانونی در کشور وجود نداشته باشد و صرفاً یک عده ای سرمایه گذاری کنند و راه را باز کنند و چندسال دیگر آنها را تعطیل کنیم، افراد رغبت نمی کنند. ثانیاً قوانین باید به گونه ای باشد که نظارت و اشراف دولت بر کلیه امور پابرجا و مستحکم بماند. این است که من فکر می کنم در برنامه پنجساله باید این مسائل دیده شوند.

**من فکر می کنم این ممنوعیت استخدام برای شرکتهای بیمه بلکه ممنوعیت برای وزارتخانه و دستگاهها و سازمانهاست. اگر شرکتهای بیمه دارای طرحی باشند که کار خود را گسترش بدهند، این طرح گسترش را باید با توجیهات لازم به دولت ارائه بدهند، سازمان امور استخدامی ممکن است تصویب کند و اگر منع داشته باشد به مجلس بیاورند تا مشکل حل شود. ولی به نظر من با هماهنگی سازمان اموراستخدامی، شما منعی نخواهید داشت.**

■ آسیا: همان طوریکه استحضار دارید شرکتهای بیمه، شرکتهای خدماتی می باشند و می بایست خدمات مناسب را به بیمه گذاران خود ارائه نمایند؛ با عنایت به دولتی بودن این شرکتهای و محدودیتهایی که شرکتهای دولتی با آنها مواجه می باشند؛ چه راههایی وجود دارد تا این شرکتهای بتوانند خدمات گوناگون را به نحو مطلوبی به بیمه گذاران عرضه نمایند؟

**دری نجف آبادی:** من هم قبول دارم که در زمینه بیمه حتی در زمینه بانکها در یک مرحله ای باید راه را بازکنیم، تا اینکه خود مردم فعال شده و در این زمینه ها با احساس مسئولیت فعالیت کنند، سازماندهی و مدیریت بکنند و یک رقابت سالم، مثبت، سازنده و مفید، در بخشهای عمومی و غیر عمومی ایجاد شود( حالا چه به صورت خصوصی چه به صورت تعاونی و چه به صورت شرکتهای سهامی



عام) و نظارت و حاکمیت کلی با دولت باشد. (و اگر تا این حد حرف بزنیم با قانون اساسی هم منافات ندارد) این کار می‌تواند، در ارزیابی و کنترل عملکرد دستگاههای مختلف به ما کمک کند و با این کار می‌توانیم جلوی بسیاری از سوءاستفاده‌ها را هم بگیریم. در دنیا هم این طور نیست که همه اعمال کنترلها، با شیوه‌های اداری انجام گیرد؛ بلکه خیلی از شیوه‌های کنترلی به صورت رقابت سالم انجام می‌شود. بسا آنها بتوانند از مکانیسم‌های دیگری استفاده کرده و هزینه‌ها را کاهش بدهند، نرخ بیمه را کاهش بدهند و با نرخ بیمه کمتر بتوانند بیمه‌نامه‌های بیشتری را ارایه کنند و با تخصصی کردن امور فعالیت‌های بیمه‌ای را به صورت مطلوب توسعه دهند. البته این کار احتیاج به زمان، برنامه‌ریزی، مدیریت مناسب، نظارت و حتی در یک مرحله نیاز به قانونگذاری دارد. نظیر این کار را (در رابطه با ایجاد مؤسسات پولی و اعتباری) در یک سطحی از کشور داریم. که بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار اجازه داده‌اند و دنبال مسأله هستند که ما اجازه بدهیم مؤسسات پولی و اعتباری را با اشراف و نظارت سیستم بانکی یا بانک مرکزی داشته باشیم.

به نظر من این یک حرکتی است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم باید به سمتش برویم. نمی‌توانیم همه کارها را به دولت واگذار کنیم. و این مسأله با برنامه پنج ساله دوم هم منافات نداشته و سازگار است. در برنامه پنج ساله دوم ما بحث مشارکت‌های مردمی، شکستن انحصارات و... را مطرح کرده‌ایم و این اجازه را به دولت در

بخشهای بازار بیمه‌های اتکایی، بیمه‌های اجتماعی وغیره داده‌ایم.

از دولت خواسته‌ایم که بازار بورس را تقویت کرده و آنرا فعال کند. در تبصره‌ها هم به نحوی، این مسائل دیده شده است.

به نظر من اگر فرهنگ بیمه در جامعه ما

به نحو مطلوب توسعه نیافته است، یکی از علت‌هایش این است که جنبه دولتی داشته و این برای همیشه با رشد جمعیت، رشد نیازها، تقاضاها و باگسترش شرایط کشور جواب نمی‌دهد؛ مگر اینکه یک بروکراسی و تشکیلات خیلی گسترده‌ای را به کشور تحمیل کنیم، ولی اگر بخواهیم یک مقداری با بروکراسی مبارزه کنیم و

**شرکتهای بیمه باید موانع رشد فعالیت و تلاش و توسعه خود را بیان کنند. اگر این موانع، هم از طرف دولت و هم از طرف نمایندگان در مجلس مورد قبول باشد و بپذیرند که این موانع، موانعی است که می‌توان آنها را از سر راه برداشت و فعالیت و رشد صنعت را بیشتر می‌کند، خوب مسلماً همکاری می‌شود.**

یک مقدار تشکیلات کشور را جمع و جور کرده و هزینه‌ها را کاهش بدهیم، قطعاً باید به نحوی درآینده، اجازه بدهیم که شرکت‌های بیمه‌ای تحت اشراف و نظارت بیمه مرکزی ایران، یا بیمه‌های دیگر یا هردستگاه دیگری بتوانند وارد معرکه بشوند. این شرکتها هم در دادن خدمات بهتر و هم در پوشش دادن بیشتر و هم در کاهش هزینه‌ها، قابل کنترل هستند. و فرهنگ بیمه می‌تواند در جامعه بیشتر توسعه پیدا بکند.

در تبصره ۲۷ قانون برنامه پنج ساله دوم هم به نحوی مسأله بیمه، مورد اشاره قرار گرفته که این هم جالب است: «دولت موظف است به منظور افزایش درآمد ارزی کشور، تسهیلات لازم جهت حضور شرکتها و مؤسسات ایرانی در بازار جهانی و صدور خدمات مهندسی را فراهم و بر این امر نظارت نمایند. این تسهیلات عبارت است از: تسهیل در مقررات شامل مقررات ایجاد شرکت‌های دو یا چند ملیتی، صدور ضمانت نامه بانکی، تأمین اعتبارات بانکی، امور گمرکی، پوشش بیمه‌ای، صدور گذرنامه و ویزا، بیمه خدمات درمانی و سایر تسهیلات لازم در چارچوب قوانین جاری.»

درحقیقت راهی باز شده است که بخش صادرات توسعه پیدا کند. خدمات بیمه‌ای می‌تواند بخشی از صادرات باشد. ان شاء الله سازمانهای بیمه‌گر ما بتوانند در فعالیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، حضور جدی‌تری داشته باشند. به جای اینکه کشتی‌هایمان را با بیمه‌های لویدز یا از طریق بازار بیمه لندن یا شرکت‌های





بیمه یک نوع امنیت اجتماعی،  
فکری، روانی، اقتصادی و درمانی  
برای افراد ایجاد می‌کند.

بشوند. درحقیقت باید ببینیم سهم ما از بیمه‌گری جهانی چقدر باید باشد. ما همواره عادت کرده‌ایم به جای اینکه در بازار جهانی حضور داشته باشیم؛ به فعالیت در داخل کشور اکتفا کنیم.

همواره نرخ بازرگانی جهانی با نرخ رشد جهانی با هم هماهنگ نیست. در طول این سالها ۸ تا ۱۰ درصد است، درحالی که نرخ رشد تولید ناخالص جهانی ۲ تا ۴ درصد است. پس نرخ خدمات بازرگانی بیش از دو برابر نرخ رشد تولید ناخالص جهانی است. کل مبلغ خدمات بازرگانی در جهان حدود ۸ هزار میلیارد دلار منهای نفت، سهم ما چقدر است؟ خوب در یک بخشی شبکه بانکی و شبکه بیمه‌گر ما باید وارد معركة جهانی بشوند تا بتوانند بیشتر بیمه کنند و سهم بیشتری را به خود اختصاص دهند. پس در حقیقت یک نوع مسئولیت ایجاد می‌شود، برای

سرمایه‌گذاری خارجی بیمه‌کنیم، خودمان این کار را انجام دهیم و حتی بتوانیم در بازار جهانی هم حضور داشته باشیم و این یک راه جدیدی است که باید برای شرکتهای بیمه‌گر ما گشوده شود. اکو بخش مهمی است و نقش سازمان اکو مخصوصاً در زمینه فعالیت‌های بیمه‌ای و بانکی باید جدی تلقی شود. و روی آن سرمایه‌گذاری انجام گیرد.

در زمینه صادرات، چه صادرات کالا و چه صادرات خدمات و نیروی انسانی و از جمله صادرات خدمات بیمه‌ای و بیمه‌گری و منابع ارزی مورد نیاز باید فعال‌تر عمل بکنیم. ما تا به حال به آن معنا آمادگی حضور در بازار جهانی را نداشته‌ایم و باید قدمهای بعدی را برای حضور در بازار جهانی برداریم.

البته لازم است به این نکته مهم هم اشاره کنم که: سازمانهای بیمه‌گر هم نباید همواره تجاری باشند و به فکر منافع تجاری خود باشند آنها باید یک مقدار روحیه خطرپذیری و ریسک‌پذیری در بازارهای جهانی را داشته باشند، اگر با حساب و کتاب جلو بروند، اگر هزینه‌هایشان را به حداقل برسانند، اگر مدیرهای لایق را برای این قبیل مذاکرات به کار گیرند، اگر به قوانین و حقوق بین‌المللی کاملاً آشنایی داشته باشند، اگر آدمهای دلسوز و دردمندی باشند؛ آنها می‌توانند در بسیاری از مسائل بین‌المللی هم حضور داشته باشند بسا از این ممر، صدها میلیون دلار سالیانه سود عاید کشور شود، به شرطی که مایک بخشی را در سازمانهای بیمه‌گر قرار بدهیم برای آنکه آنها وارد این معركةها در بازار جهانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

گسترش حوزه فعالیت خود نیاز به جذب و استخدام نیروهای متخصص با حقوق مکفی دارند، ولی موانع مختلف قانون استخدامی و عدم صدور مجوز استخدام از طرف سازمان اموراستخدامی کشور، جذب نیرو را محدود کرده است، در این رابطه چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید؟

**موحدی ساوجی :** شما محدودیتی ندارید، شرکت‌های بیمه شرکت‌های دولتی هستند و براساس قانون نظام هماهنگ پرداختها عمل می‌کنند. با همین قانون نظام هماهنگ فوق‌العاده‌هایی در قانون پیش‌بینی شده که دولت می‌تواند تصویب کند و پرداختهای خوبی به متخصصین صورت گیرد، این جور نیست که شرکت‌های دولتی نتوانند متخصص جذب کنند. چون قانون برای این مسأله منعی ایجاد نکرده است. و باید یک مقداری جزئی‌تر و دقیق‌تر مسأله بیان شود و ببینیم که به صورت مشخص کجا اشکال وجود دارد و علتش چیست؟

من فکر می‌کنم این ممنوعیت استخدام برای شرکتها نیست بلکه ممنوعیت برای وزارتخانه و دستگاهها و سازمانهاست. اگر شرکت‌های بیمه دارای طرحی باشند که کار خود را گسترش بدهند، این طرح گسترش را باید با توجیحات لازم به دولت ارائه بدهند، سازمان امور استخدامی ممکن است تصویب کند و اگر منع داشته باشد به مجلس بیاورند تا مشکل حل شود. ولی به نظر من با هماهنگی سازمان امور استخدامی، شما منعی نخواهید داشت. مثلاً اگر شما می‌خواهید فعالیتتان را



اگر شرکت‌های بیمه دارای طرحی باشند که کار خود را گسترش بدهند، این طرح گسترش را باید با توجیحات لازم به دولت ارائه بدهند، سازمان امور اداری ممکن است تصویب کند و اگر منع داشته باشد به مجلس بیاورند تا مشکل حل شود.

اینکه سازمان‌های بیمه‌گر ما متخصص‌های شایسته‌ای تربیت کنند تا بتوانند در سطح جهانی در کارهای مرحله‌ای یا مستمر حضور جدی داشته باشند.

میزان سهم ما وابسته به تولید ناخالص ملی نیست، میزان سهم ما به قدرت مؤثر و حضور فعال ما وابسته است، به سرمایه‌گذاری و فعالیتهای این بخش وابسته است. باید براین اساس تولید ناخالص ملی خود را افزایش بدهیم. مثلاً در مورد کشتیرانی و هواپیمایی باید این حرف را بزنیم. مثلاً بگوئیم کشتیرانی ما سالانه ۵ میلیون دلار کالا را در بازار جهانی جابجا کرده و تولید ناخالص ملی را افزایش داده است. متأسفانه کشتیرانی و هواپیمایی نه تنها درآمد خود را مصرف می‌کنند بلکه درآمدی از خزانه دولت را هم صرف فعالیت‌های خود می‌کنند.

■ آسیا: شرکت‌های خدماتی دولتی برای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



دو برابر کنید، نیاز به نیروی بیشتر دارید، دلیل ندارد که شما بتوانید با همین نیرو فعالیت بیشتری ارائه کنید! من فکر می‌کنم در این زمینه مجلس موافق است، زیرا این از مواردی نیست که مجلس مخالفت کند. این منع برای آن وزارتخانه‌ها و سازمانهایی بود که تورم پرسنل و کارمند داشتند و در واقع ضرورت نداشت آنقدر گسترده استخدام کنند. اما بیمه یک شرکتی است که از قانون تجارت تبعیت می‌کند و اگر بخواهد وظایف و مأموریت‌های خودش را گسترش بدهد، مسلماً باید متناسب آن هم نیرو داشته باشد.

■ آسیا: در برنامه دوم چه استراتژی و خط مشی‌هایی برای فعالیت صنعت بیمه در نظر گرفته شده است؟

**دری نجف آبادی:** به مسائل کلان در توضیحات قبلی اشاره کردم. ما در برنامه دوم بر دو یا سه محور تأکید داشته‌ایم، که این محورها خیلی کمک می‌کنند، و راه را باز می‌کنند. یک محور در صادرات غیر نفتی از جمله صادرات خدمات فنی، نیروی انسانی و... است.

یک بخش که به نحوی مورد توجه مجلس و دولت هم بوده، بخش اکو است که در رابطه با راهاندازی مؤسسات مربوط به اکو از جمله بیمه، بانکداری و راه و ترابری و... هرچه فعال باشیم، ضرورت دارد و لازم است. شرکت‌های بیمه‌گر ما هم باید فعال شوند باید برنامه ریزی کنند و همکاری منطقه‌ای داشته باشند.

محور دیگری که در برنامه پنج ساله

دوم وجود دارد، بخش سیاست‌های مالی و پولی است که بخشی از آن به خدمات مالی و بیمه‌ای برمی‌گردد. در برنامه پنج ساله دوم، مجلس دست دولت را باز گذاشته است. در تبصره ۲۲ برای قراردادهای خارجی بخشی داریم، که سازمانهای بیمه‌گر می‌توانند در این بخش هم فعال باشند (تا آنجاکه برای بیمه کردن سرمایه‌گذاری‌های خارجی لازم است) حدود ۴ طرح در برنامه پنج ساله دوم دیده شده است که اگر سازمانهای ما هم جهت بیمه کردن آنها حضور داشته باشند، بسیار مفید است.

یک بحث دیگر هم شکستن انحصارات است و برنامه پنج ساله دوم به این سمت پیش رفته که انحصارات را به حداقل برسد و اگر لازم باشد باید در بخش بیمه‌ها قانونی بیاوریم و رقابت‌های لازم را ایجاد کنیم. یک بخش دیگر به عنوان سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و طرحی است که در مجلس برای مشارکت سرمایه‌گذاری‌های خارجی ارائه شده است. و اگر این را در بخش بیمه هم توسعه بدهیم، بیمه هم می‌تواند با شرکت‌های دیگر مشارکت داشته باشد و به عنوان مثال می‌توانیم با کشورهای ترکیه یا پاکستان همکاری مشارکتی بیمه‌ای داشته باشیم.

■ آسیا: در پایان از حضور شما در این گفتگو و عنایت خاصی که به فعالیت‌های بیمه در کشور داشتید، تشکر نموده و از پروردگار متعال، سلامت و سعادت همه خدمتگزاران به اسلام را خواستاریم.

**البته لازم است به این نکته مهم هم اشاره کنم که : سازمانهای بیمه‌گر هم نباید همواره تجاری باشند و به فکر منافع تجاری خود باشند آنها باید یک مقدار روحیه خطرپذیری و ریسک‌پذیری در بازارهای جهانی را داشته باشند،**

**اما بیمه یک شرکتی است که از قانون تجارت تبعیت می‌کند و اگر بخواهد وظایف و مأموریت‌های خودش را گسترش بدهد، مسلماً باید متناسب آن هم نیرو داشته باشد.**

